

ملاک صدق ایمان

حجت الاسلام والمسلمین علیجان کریمی*

اشاره

در این نوشتار با نظر به آیات و احادیث، حقیقت ایمان و ملاک‌های صدق آن بیان شده است. برخی از ملاک‌های صدق ایمان ناظر به تحولات روحی مؤمن در پی ایمان به خدا و آورده‌های انبیا، برخی ناظر به عمل به احکام و برخی به اخلاقیات مربوط است. کسی از درجه بالای ایمان برخوردار است که ایمان او در همه حیطه‌های اعتقادی، زبانی و عملی جلوه‌گر باشد.

حقیقت ایمان

ایمان به معنای تصدیق قلبی و زبانی اخبار پیامبران است.^۱ وقتی کسی آنچه را فرستاده خدا آورده، تصدیق کرد، به او ایمان آورده است. حقیقت ایمان همین تصدیق کردن است. تصدیق مراتبی دارد؛ از امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره حقیقت ایمان پرسیده شد، حضرت فرمود: «الْإِيْمَانُ مَعْرِفَةُ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَازُ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ»^۲ ایمان عبارت از شناخت قلبی و اقرار زبانی و عمل به ارکان است». ملاک صدق ایمان، تبلور آن در این سه مرحله است؛ بنابراین ممکن است کسی به حقایق دینی معرفت داشته باشد، اما ایمان در قلب و روح او جای نگرفته است. خداوند به بادیه‌نشینان مدعی ایمان فرمود: تا ایمان در قلب و روح شما نفوذ نکرده است، حق ندارید بگویید ما ایمان آوردیم؛ آری فقط می‌توانید بگویید تسلیم شدیم: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيْمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ»^۳.

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. حسن بن یوسف حلی، شرح تجرید، ص ۴۲۶.

۲. امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، شرح صبحی صالح، ص ۵۰۸.

۳. حجرات: ۱۴.

خداوند در قرآن نقل می‌کند که فرعونیان با وجود یقین قلبی به حقانیت آیات خدا، از روی ستمگری و تکبر آنها را انکار می‌کردند^۱ و به طریق اولی اهل عمل هم نبودند. این نوع یقین قلبی ارزش چندانی ندارد، بلکه ایمان راستین آن است که میان قلب و زبان و عمل هماهنگی باشد و هر کدام دیگری را تصدیق کند. اثر چنین ایمانی آرامش روحی خواهد بود؛ زیرا اطمینان دارد که تلاش او در دنیا بیهوده نیست، بلکه نظام عادلانه‌ای بر جهان حکم فرماست.^۲ اثر چنین ایمانی همان‌گونه که در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده، نورانیتی است که خدا در دل مؤمن افکنده است.^۳ علامه طباطبایی نیز نوشته است مؤمن کسی است که التزام عملی دارد و به اجمال به ایمانش پایبند است؛ هرچند ممکن است به برخی از لوازم فرعی آن پایبند نباشد^۴ و اگر فقط با زبان اقرار کند و التزام عملی نداشته باشد یا به هیچ‌یک از احکام شرعی پایبند نباشد، مؤمن به شمار نمی‌آید و در زمره منافقان است که قرآن درباره آنها فرموده است که می‌گویند: به خدا و پیامبر ایمان آوردیم و به فرمان او و پیامبرش گردن نهادیم؛ ولی گروهی از آنان پس از این اقرار روی می‌گردانند و سرپیچی می‌کنند؛ درحالی‌که هیچ‌یک از این دو گروه ایمان نیاورده‌اند.^۵

مؤمنان راستین از منظر قرآن

خداوند متعال در قرآن کریم، مؤمنان راستین را با این ویژگی‌ها معرفی کرده است: وقتی خدا نزدشان یاد شود، دل‌هایشان می‌ترسد؛ هنگامی که آیات او بر آنان تلاوت گردد، بر ایمانشان می‌افزاید؛ در کارها و برنامه‌ها تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند؛ کسانی‌اند که نماز را برپا می‌دارند؛ بخشی از آنچه را روزی آنان کرده‌ایم، به نیازمندان انفاق می‌کنند. سپس افزوده است: «أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا»^۶ اینان‌اند مؤمنان راستین که در حدّ ایمانشان درجاتی نزد پروردگارشان دارند». در این آیه، ملاک‌های صدق درجه بالای ایمان بیان شده است. بر اساس آیات و روایات برای هر درجه‌ای از ایمان نشانه‌هایی است که در عمل به احکام الهی آشکار می‌شود.

۱. نمل: ۱۴.

۲. مرتضی مطهری، انسان و ایمان، ص ۴۲.

۳. حسن بن یوسف حلی، شرح تجرید، ص ۵۷۰.

۴. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۶؛ ج ۱۸، ص ۱۵۸-۱۵۹، ۲۵۸-۲۵۹.

۵. نور: ۴۷.

۶. انفال: ۲-۴.

درجه‌بندی مؤمنان در حدیث امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند ایمان را به هفت سهم قسمت کرده است که عبارت‌اند از: نیکی، راستی، یقین، رضا، وفا، علم و حلم؛ سپس این هفت سهم را میان مردم قسمت کرده است. پس هرکه قابلیت هفت سهم را دارا بود، او کامل‌الایمان است. برخی ممکن است دو سهم، بعضی سه سهم تا برسد به کسانی که ظرفیت هفت سهم دارند ...»^۱. انسان مؤمن باید تلاش کند تا ایمان خود را به کمال برساند.

آزمون‌پذیری ایمان

سنت و قانون الهی بر این است که انسان‌ها برای ارزیابی ایمانشان مورد آزمون قرار بگیرند تا مؤمنان راستین و مدعیان دروغین آشکار شوند: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»^۲ آیا مردم پنداشته‌اند به صرف اینکه گفتند ایمان آوردیم، به حال خود رها می‌شوند و با سختی‌هایی که درستی و نادرستی ایمانشان با آنها آشکار می‌شود، آزموده نمی‌شوند؟».

ملاک‌ها و نشانه‌های صدق ایمان

به طور کلی ملاک صدق ایمان، تسلیم‌بودن در برابر فرمان‌های خدا و معصومان و انجام عمل صالح است که در ادامه به چند مصداق آن اشاره می‌شود:

۱. اطاعت از خدا و پیامبر

خداوند در آیه اول سوره «انفال» می‌فرماید اگر واقعاً ایمان دارید، از خدا و پیامبرش فرمان برید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۳. اطاعت از خدا و پیامبر، عنوانی کلی است که همه فرامین الهی را دربر می‌گیرد؛ اما برخی از مهم‌ترین موارد آن عبارت‌اند از:

الف) اجتناب از گناهان

در چند آیه اشاره شده است که ملاک صدق ایمان، مرتکب‌نشدن گناهان کبیره مانند قتل و رباخواری است. خداوند متعال به یهود گوشزد کرد که اگر ایمان شما راست بود، کشتن پیغمبران

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۲

۲. عنکبوت: ۱.

۳. حدید: ۸.

از شما صادر نمی‌شد؛^۱ با اینکه در تورات قتل پیامبران حرام شده است،^۲ گوساله‌پرست نمی‌شدید،^۳ به معجزات انبیا باور داشتید.^۴ همچنین به مسلمانان فرموده است اگر ایمان دارید، رباخواری حرام و در حد جنگ با خداست و اقتضای ایمان این است که از رباخواری دست بکشید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».^۵

ب) اقامه نماز و پرداخت زکات

در آیات متعددی از نماز و زکات در جایگاه دو صفت ممتاز و ملاک صدق ایمان یاد شده است^۶ و این دو از عوامل رستگاری به شمار آمده‌اند.^۷ «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۸ و نماز را برپا دارید و زکات را بدهید؛ و رسول [خدا] را اطاعت کنید تا مشمول رحمت [او] شوید».

ج) سست‌نشدن و نترسیدن از جهاد

مسلمانان پس از شکست در جنگ اُحُد، دچار اندوه و سستی شدند. آیه نازل شد و در مقام دل‌داری به آنان یادآور شد که سستی و تزلزل در ایمان، سبب چنین پیامدی است؛ ازاین‌رو اگر ایمان شما مستحکم و ثابت بود، پیروز و برترید:^۹ «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».^{۱۰} در آیه ۱۷۵ سورة «آل عمران» درباره تأثیر شایعات دشمن برای ترساندن مسلمانان از مشرکان، ملاک صدق ایمان را نترسیدن از دشمن و فقط از خدا ترسیدن بیان کرده است. در این آیه فرموده است: «این فقط شیطان است که شما مؤمنان را از دوستان شرک‌پیشه خود می‌ترساند؛ پس اگر به‌راستی مؤمنید، از آنان نترسید و از عذاب من بیم داشته باشید». در سورة «توبه» نیز در

۱. بقره: ۹۱.

۲. محمد بن حسن طوسی، التبیان، ج ۱، ص ۳۵۱.

۳. بقره: ۹۳.

۴. آل عمران: ۴۹.

۵. بقره: ۲۷۸.

۶. برای نمونه: انفال: ۴-۵؛ مائده: ۵۵؛ توبه: ۷۱.

۷. مومنون: ۱-۲-۴؛ اعلی: ۱۴-۱۵.

۸. نور: ۵۶.

۹. ر.ک: حسن بن فضل طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص: ۸۴۳.

۱۰. آل عمران: ۱۳۹.

مقام ترغیب مؤمنان به جهاد با مشرکان پیمان شکن و آغازگر جنگ با مسلمانان می فرماید: «فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ؛ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱ پس خدا سزاوارتر است که باید از او ترسید؛ چراکه مؤمن از هیچ کس جز خدا نمی ترسد»^۲.

دو مؤمن مجاهد در بنی اسرائیل

در آیات ۲۱ تا ۲۵ سورة «مائدة» به بخشی از تاریخ بنی اسرائیل اشاره شده است؛ زمانی که موسی به قوم خود فرمان داد وارد سرزمین مقدس شوند و با عمالقه بجنگند و در پیکار با آنان به عقب بازنگردند؛ اما فقط دو نفر به نام های یوشع بن نون و کالب بن یوفنا در ایمان خود صادق بودند و از موسی فرمانبری کردند و دیگران را نیز به جهاد ترغیب کردند و گفتند اگر ایمان دارید فقط بر خدا توکل کنید»^۳.

۲. رعایت امور اخلاقی

برخی از ملاک های صدق ایمان و دینداری با اخلاق و انجام فضیلت ها و کرامت های اخلاقی و دوری از رذیلت های اخلاقی ارتباط دارد که آیات زیادی به این امور پرداخته اند. یکی از مکارم اخلاقی، عفت و حیاست؛ حیا در احادیث، یکی از مهم ترین ارزش های اخلاقی معرفی شده است؛ همچنین حیا سرچشمه بسیاری از فضایل اخلاقی است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ»؛ کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد». مقصود از حیا، کم رویی و خجالتی بودن نیست، بلکه حیا در برابر گستاخی و پررویی و لاابالی بودن است. بی حیا کسی است که حرمت هیچ حد و حریمی را نگاه نمی دارد، زبانی تلخ و گزنده و رفتاری سراسر شنیع و وقیح دارد. در مقابل، انسان باحیا حتی در پوشش ظاهری کاری نمی کند که مورد عیب و نکوهش دیگران شود. در احادیث توصیه شده است حریم عفت و حیا در سلوک فردی، نوع پوشش و مراوده با دیگران حفظ شود.

۳. رعایت حق الناس

بر اساس احادیث اهل بیت علیهم السلام، بسیاری از نشانه های صدق ایمان مراعات حق الناس است؛ از

۱. توبه: ۱۳

۲. حسن بن فضل طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۲، ص ۴۲.

۳. ر.ک: محمد بن حسن طوسی، التبیان، ج ۳، ص ۴۸۶.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۶.

جمله وفای به عهد و پیمان،^۱ ترک همنشینی با عیب‌جویان از مؤمنان،^۲ تعیین مزد اجیر،^۳ همسایه‌داری، مهمانداری و

حق الناس در کلام رسول اکرم ﷺ

نقل شده است روزی فاطمه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از برخی امور خود به ایشان شکایت کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نوشته‌ای به او داد و فرمود: آنچه در آن است بیاموز. در آن نوشته چنین بود: «هر کسی به خدا و روز واپسین ایمان دارد، همسایه‌اش را آزار ندهد، مهمانش را گرمی بخشد و سخن نیک بگوید یا سکوت کند».^۴ امام صادق علیه السلام فرمود: «همسایه‌داری سبب طولانی‌شدن عمر و آبادانی سرزمین‌هاست».^۵

حق الناس در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام

در سخنی از امیرالمؤمنین علیه السلام برای دینداران این نشانه‌ها ذکر شده است که به واسطه آنها شناخته می‌شوند: راست‌گویی، امانت‌داری، وفای به عهد، پیوند با خویشاوندان، مهربانی با ناتوانان، بخشش و نیکی‌کردن، رعایت محرم و نامحرمی، خوش‌خویی، گشادگی خُلق، پیروی از دانش و آنچه انسان را به خداوند عز و جلّ نزدیک می‌کند.^۶

رعایت حق الناس در معاملات

از ملاک‌های ایمان راستین، مراعات تقوای الهی در امور اقتصادی و رعایت حق الناس و ترک حرام‌خواری است. حرام‌خواری شیوه‌های مختلفی دارد که یکی از آنها کم‌فروشی است. خداوند در قرآن از قول حضرت شعیب علیه السلام نقل می‌کند که به قوم خود سفارش کرد از پیمان‌ها و ترازو نگاهید؛ به راستی من شما را در نعمت فراوان می‌بینم، چه نیازی به اموال حرام دارید؟ من بر شما از عذاب روزی فراگیر که هیچ‌کس را توان گریز از آن نیست می‌ترسم. و ای قوم من، پیمان‌ها و

۱. همان، ص ۳۶۴.

۲. همان، ص ۳۷۸.

۳. همان، ص ۲۸۹؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲۱۱.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۶۷؛ نیز احمد بن محمد ابن حنبل، مسند أحمد حنبل، ج ۱۱، ص

۱۹۲؛ ج ۱۵، ص ۳۶۵؛ مالک بن انس، موطأ الإمام مالك، ج ۵، ص ۱۳۶۰.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۶۷.

۶. همان، ص ۲۳۹.

ترازو را به طور کامل و با عدل و انصاف بسنجید و هنگام وزن کردن و پیمانه نمودن کالاهای مردم از آنها نکاهید، و در زمین تبهکارانه به فساد برنخیزید. اگر مؤمن باشید، سودی که از دادوستد برای شما می ماند و خدا شما را بدان راه نموده، برای شما بهتر از مالی است که از راه ناروا به دست می آورید.^۱ مؤمن راستین به سود حلالی که پس از معامله برایش می ماند، بسنده می کند.

داستان مرد کم فروش

مرد فقیری بود که همسرش کره می ساخت، آن زن کره ها را دایره های یک کیلویی می ساخت و مرد آن را به بقالی می فروخت و مایحتاج خود را می خرید. روزی بقال با ناراحتی گفت دیگر از تو کره نمی خرم؛ تو کره را به عنوان یک کیلو به من فروختی، در حالی که نهصد گرم است. مرد فقیر ناراحت شد و گفت ما ترازویی نداریم، یک کیلو شکر از شما خریدیم و آن را به عنوان وزنه قرار دادیم؛ یقین داشته باش که به اندازه شکر خودت اندازه می گیریم.^۲

کتاب نامه

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۵۰ ج، محقق: عامر غضبان و دیگران، چ ۱، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ ق.
۲. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تصحیح: حسن حسن زاده آملی، قم: انتشارات جامعه مدرّسین، ۱۴۳۰ ق.
۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، بیروت: مرکز البحوث الاسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ ج، چ ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۵. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، ۴ ج، مصحح: ابوالقاسم گرجی، چ ۱، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ ق.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ ج، مصحح: هاشم رسولی و فضل الله یزدی طباطبایی، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

۱. هود: ۸۴-۸۶.

۲. سایت ادبستان شعر فارسی <https://www.poempersian.ir>.

۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰ ج، مصحح: احمد حبیب عاملی، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی‌تا].
۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ۱۰ ج، مصحح: محمد آخوندی، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية، [بی‌تا].
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۸ ج، محقق/ مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. مالک بن انس، موطأ الإمام مالک، ۱۰ ج، محقق: محمد مصطفی اعظمی، چ ۱، ابوظبی: مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخيرية و الإنسانية، ۱۴۲۵ ق.
۱۱. مطهری، مرتضی، انسان و ایمان، قم: صدرا، [بی‌تا].